

«بیمه بیکاری برای بیکاران تا پیدا شدن کار راه حل جدی معضل طبقه کارگر»

جهانگیر محمودویسی

پنجشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۸۸

از آنجایی که هر روزه ما در تبلیغات وسیع سرمایه‌داران ایران می‌شنویم به قله‌های رفیع اقتدار علمی و جهانی رسیده و در حال تسخیر فضا نیز هستیم بایستی مردمان روی زمین خاکی ایران نیز پا به پای این اقتدار و این قله رفیع به خوشبختی رسیده باشند. پس چرا بین این دو مقوله جدایی و شکاف عظیم وجود دارد؟ مگر معیار پیشرفت و اوج صعود به قله‌های علمی و صنعتی برای بهبود و رفاه وضع انسان‌ها نیست؟ چگونه می‌شود، تصور نمود، ما به قله‌های مهم صنعتی و علمی رسیده‌ایم اما میان مردمانش فاصله‌ی طبقاتی به اوج خود رسیده باشد و مدافعین و بانیان رسیدن به این قله‌ی رفیع علمی و صنعتی هیچ فکری به حال روابط خود و اطرافیان‌شان نکرده باشند؟ به راستی همه این‌ها جای شك و تردید است علم و صنعت بایستی حداقل در خدمت رفاه و آسایش به وجود آورندگان آن نیز باشد پس چرا میلیون‌ها نیروی کار و جوان و مفید ما در حال اضمحلال و سرخوردگی و شکست به سر می‌برند؟ چرا سرمایه‌داران همه چیز از جمله ثروت و سرمایه و نیروی کار و انرژی و سرزمین‌های پنهان و پرورش اندیشه‌های موردنیاز را از آن خود و موهبتی رسیده برای خود می‌دانند. اما چشمان خود را در مقابل محصول خویش یعنی میلیون‌ها بیکار می‌بندند و خویش را مسبب و مسئول واقعی آن‌ها نمی‌دانند و به فراموشی سپرده و در جهان بی‌رحم و شفقت‌بار بی هیچ امید و آرزویی رها می‌سازند.

مگر نه اینکه میلیون‌ها نیروی کار جوان از همان کودکی به هزینه و انرژی خانواده‌های تحت ستم پرورش و تربیت یافته و مفت در اختیار بازار بی‌رحم و مشقت‌بار سرمایه داری قرار می‌گیرند و متأسفانه سرمایه‌داران ایرانی از پرداخت حداقل هزینه برای تأمین مخارج این نیروی کار نیز چشم‌پوشی می‌نمایند. بنابراین بعد از ۱۸ و ۲۰ سال قرار نیست در حالی که سرمایه‌داری صاحب و مالک همه چیز است خانواده‌ها باز هم هزینه این نیروی کار را تا آخر عمر روی شانه‌های خمیده‌شان یدک بکشند. به راستی ادامه چنین وضعی در قرن ۲۱ در حق به جوانان و خانواده‌هایشان نه فقط ناروا و غیرقانونی بوده بلکه این وظیفه سرمایه‌داران و دولت حامی آن‌هاست که برای این نسل کار مناسب با توجه به توانایی و تخصص پیدا نمایند. بنابراین سرمایه‌داران ایرانی نیز مانند هر کشور دیگری که به قله رفیع و افتخار و رفاه رسیده است موظف به پرداخت هزینه بیمه‌بیکاری مکفی تا پیدا نمودن کار مناسب می‌باشند. اگر چنین خواسته‌ای تحقق پیدا نکند ما همچنان با بحران شدید، ناملایمات و بی‌رحمی‌های فراوانی نسبت به جوانان و خانواده‌هایشان روبرو خواهیم بود که خانمان‌سوزتر از همیشه خواهد بود. نسلی که هیچ امیدی به آینده نداشته باشد با مشکلاتی همچون، اعتیاد، سرخوردگی، خودکشی، افسردگی، دزدی، فحشا، بی‌اخلاقی، جنگ‌های عصبی و انواع دیگر ناهنجاری‌ها روبرو خواهد شد. نسل جوانی که بایستی نمونه شور، خوشبختی، و زندگی و زیبایی و فعالیت سالم باشد قربانی نظام طبقاتی سرمایه‌داری خواهد شد.

تجربه تاریخی نشان داده است که حق و راستی و زیبایی به آسانی به دست نیامده بنابراین از سرمایه‌داران ایران نیز

توقع نداریم که بتوانند کار مهمی برای این نسل انجام دهند زیرا اثبات نموده‌اند تا حد ممکن و لازم ستمگری را گنجی گرانبها یافته‌اند که به وسیله‌ی آن میلیاردها سود را به جیب‌هایشان سرازیر کرده و هیچ قاضی و قانونی نمی‌خواهد آن‌ها را به پای میز بازخواست واقعی بکشاند. بدینگونه به هر شیوه ممکن که خواسته‌اند، توانسته‌اند ستم را اعمال نمایند.

همه ما می‌دانیم چنانچه این روند ادامه یابد و جوانان ما هر روز بر تعداد بیکاران‌شان افزوده گردد با مصیبتی جبران‌ناپذیر روبرو خواهیم شد بنابراین وظیفه انسانی است که با اتحاد و دانش و درایت بدون توجه به هر گونه گرایشی خاص، برای حل این معضل متحد و چاره‌ای مناسب پیدا نماییم. این بحران بیکاری نه تنها موجب افزایش عدم امنیت برای هر شهروند خواهد شد، خود سد محکمی در مقابل اعتراضات و تشکلیابی کارگران شاغل نیز می‌شود و آن‌ها نیز همواره به خاطر ذخیره بسیار زیاد نیروی کار هر روز از طرف کارفرمایان مورد تهدید جدی و شدت کار و بی‌رحمی زیادتری قرار می‌گیرند. این مصیبت يك مصیبت عینی خواهد بود که همه‌ی خانواده‌های کارگری و ستم‌دیده‌گان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. به همین دلیل به امید اینکه همچنان که در بالا گفته شد بتوانیم راه‌حلی عملی و واقعی را فراروی خود داشته باشیم و آن چیزی نخواهد بود جز همان اتحاد و آگاهی و تشکلیابی مستحکم ما برای ابراز خواسته‌هایمان در مقابل خودسری‌های بورژوازی.

جهانگیر محمودویسی

فروردین ۱۳۸۸

کمیته هم‌هانگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

www.komitteyehamahangi.com

komite.hamahangi@gmail.com